

ادیان و مذاهب در ایران باستان

- دکتر کتایون مزداپور، دکتر زهره زرشناس،

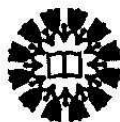
- دکتر فرزانه گشتاسب، دکتر مینا سلیمی،

دکتر خسرو قلعه‌ده، دکتر کتایون نمیرانیان،

زهره تبریزی‌نژاد، دکتر محمد زهره نوری، مریم‌السادات آقامیری

تهران

۱۳۹۴



سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)

مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی

عنوان و نام پدیدآور: ادیان و مذاهب در ایران باستان/ کتابون مزداپور ... [و همکاران].
مشخصات نشر: تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: شش، ۵۹۸ ص: مصور، نقشه.

فروست: «سمت»؛ ۱۸۸۹. الهیات (ادیان و عرفان)؛ ۲۲

شابک شومیز: ۸-۰۱۳۸-۰۲-۶۰۰-۹۷۸ ۲۰۵۰۰۰ ریال

شابک گالینگور: ۵-۰۱۳۹-۰۲-۶۰۰-۹۷۸ ۲۵۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: Katayun Mazdapour. The Religions of Ancient Iran.

یادداشت: نویسندگان: کتابون مزداپور، زهره زرشناس، فرزانه گشتاسب، مینا سلیمی، خسرو قلیزاده،

کتابون نمیرانیان، زهرا تبریزی‌نژاد ملک‌محمد، زهره نوری، مریم‌السادات آقامیری.

یادداشت: کتابنامه.

یادداشت: نمایه.

موضوع: ایران — دین — تاریخ

موضوع: ایران — دین — تاریخ — پیش از اسلام

شناسه افزوده: مزداپور، کتابون، ۱۳۲۲-

شناسه افزوده: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۰ الف BL ۸۰۰/۱

رده‌بندی دیوبی: ۹/۰

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۰۰۰۸

سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)

مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی



ادیان و مذاهب در ایران باستان

دکتر کتابون مزداپور (استاد پژوهشگاه علوم انسانی، هیأت فرهنگی)، دکتر زهره زرشناس

(استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دکتر فرزانه گشتاسب (استادیار

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دکتر مینا سلیمی (دکتر شگر فرهنگستان زبان و

ادب فارسی)، دکتر خسرو قلیزاده قلعه (استادیار دانشگاه پیام نور)، دکتر کتابون

نمیرانیان (استادیار دانشگاه شیراز)، زهرا تبریزی‌نژاد ملک‌محمد، زهره نوری، مریم‌السادات

آقامیری

ویراستاران: دکتر فرنگیس پرویزی و مریم ربانی

چاپ اول: بهار ۱۳۹۴

تعداد: ۱۰۰۰

حروفچینی و لیتوگرافی: «سمت»

چاپ: باران (قم)، صحافی: زرین (قم)

قیمت شومیز: ۲۰۵۰۰۰ ریال، قیمت گالینگور: ۲۵۰۰۰۰ ریال. در این نوبت چاپ قیمت مذکور ثابت

است و فروشندگان و عوامل توزیع مجاز به تغییر آن نیستند.

نشانی ساختمان مرکزی: تهران، بزرگراه جلال آل احمد، غرب پل یادگار امام (ره)، روبه‌روی

پمپ گاز، کد پستی ۱۴۶۳۶، تلفن ۰۲-۴۴۲۴۶۲۵۰.

www.samt.ac.ir

info@samt.ac.ir

هر شخص حقیقی یا حقوقی که تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشر، نشر یا پخش یا عرضه یا تکثیر یا تجدید چاپ نماید، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	سرسخن
۹	فرگرد یکم: زرتشت و کیش زرتشتی
۳۱۹	فرگرد دو: مهرپرستی
۴۱۳	فرگرد سوم: مانی و مانویت
۴۷۵	فرگرد چهارم: زروان
۵۲۷	فرگرد پنجم: آیین مزدک
۵۶۵	نمایه

سرسخن

کتابی که در دست دارید، کتابی درسی است و با دیدگاهی ویژه به نگارش درآمده است و آن، توجه به دین و باورهای مذهبی و عقاید و آیینهای سنتی و اجتماعی است در ایران باستان. در آن روزگار کهن، در این خطه از جهان، نیاکان ما چگونه خداوند را پرستیده‌اند و با چه نامهایی پروردگار عالمیان را یاد می‌کردند و نام می‌بردند، باورهای آنان در باره اخلاق و شیوه‌های رفتار با یکدیگر، و مبدأ و آغاز خلقت، و جهان پس از مرگ چه بوده است. با بهره‌گیری از اسناد و مدارکی که پیرامون چنین اعناداتی زمانده است، در باب مسائلی مستقل و مجزا از دین و آیین، بررسیهای متعددی را در دقت و راهگشا، هم به زبان فارسی و هم به زبانهای خارجی، در دست است. این روش تحقیقات، هریک آگاهیهایی به دست می‌دهند که پاره‌ای از جوانب باورهای دینی رفتارهای آیینی آن رفتگان را نیز روشن می‌دارد.

کوشندگی حاضر معطوف به فراهم آوردن کلیاتی در این باب است که در یکجا گرد آمده باشد و منظری عام را از جهان دینی و کردارهای آیینی گذشتگان ما بازنمایی کند.

برای نگارش چنین مجموعه‌ای، بنده نگارنده این سطر، دست به دامان استادان همکار خود زد و از ایشان، که نام هریک بر سر آغاز نوشته خود، و در فهرست می‌آید، یاری جست. سرکار خانم دکتر زهره زرشناس و خانم دکتر فرزانه گشتاسب، جز نگارش بخشهایی از کتاب، با بنده از بسیاری جهات مساعدت فرموده‌اند و همکاری داشته‌اند.

برای تنظیم گفتگو در باره باورهای دینی و مذاهب در ایران باستان، راهی که

مناسب به نظر می‌رسد، اتخاذ ترتیب تاریخی است. به رغم این، گرچه اعتقاد به ایزدمهر را به یک تعبیر می‌باید مقدم بر پیامبری آشور زرتشت دانست، اما به موجب تاریخچه مهرپرستی و اسناد و مدارکی که شرح آنها خواهد آمد، و نیز به واسطه اعتبار و برتری دین زرتشتی و رواج و گسترش آموزه‌های بازگردنده به آن، نخست از دین و آموزه‌های زرتشت پیامبر و باورهای کیش زرتشتی و آنچه به پیامبر منسوب است، سخن خواهد رفت و سپس از مهرپرستی. پیامبر دیگر ایرانی مانی است. زمان وی معین است (۲۱۶-۲۷۶/۲۷۷ م) و اسناد متقن در باره وی مکتوب است و نسبتاً فراوان. این را مدیون بخت در بازیابی اسناد مانوی، و نیز مدیون ارجی هستیم که سنت کتابت، و حتی هنر خوشنویسی و تذهیب کتاب نزد مانویان داشته است. خلاف این، آنگاه ما از روهان و باورهای زروانی سخت آشفته و پراکنده است و این موضوع فرگرد و صافچهری کتاب است. فرگرد آخرین، که آخر آن به دوران پس از ساسانیان خواهد پیوست، به مزدک و دین آوری وی خواهد پرداخت. بدین شمار است که کتاب از سرآغازی نروشن آغاز خواهد شد تا به فرجامی مبهم بپیوندد و آگاهی‌هایی را که در دسترس است، در حدّ توان به نگارش درآورد و نظم بخشد. نیز این جستار و بحث به آیین بودا و ادیان یهودیت و مسیحیت در ایران نمی‌پردازد.

در کنار هم نهادن چنین مجموعه‌ای و پیوند زدن اطلاعاتی که مورد یقین باشد، از یک جهت به نوعی آوردن کلیاتی در این باب است، اما طرّفه آن است که از سوی دیگر، سنجیدن خصائص آنها با یکدیگر نتایج تازه به دست می‌دهد. نکته بارز در این زمینه، این معنی است که مفهوم ستایش و قداست در آن روزگاران و در آن فرهنگ دیگر، که اصولاً به اصطلاح هندواروپایی است، با آنچه امروزه برایمان آشنا است، عیناً یکسان نیست. در عین آن که پرستش و ستایش یکی از اصول بنیادین در فطرت و طبع آدمی است، چون این نیاز فطری از قوه به فعل درآید و پنداشته‌های پیرامونی و وابسته به آن در طی تاریخ فرهنگ‌های بشری صورت بندد، دیگر انطباقی در جزئیات را در این تصاویر ذهنی و جمعی نمی‌توان بازیافت و

تفاوت‌هایی بارز و چشمگیر پدیدار می‌گردد. همچنان که واژه‌های زبانی در دو فرهنگ متمایز هندواروپایی و اقوام سامی یکسان نیست، قداست و پرستش نیز نزد این دو گروه مردم اختلافی دارد و هنگام خواندن این کتاب باید به آن توجه نمود: در کلام مختصر، چنین پیدا است که در ادیان و مذاهب ایرانی، صفات جلالی خداوند کمتر یاد می‌شود و برعکس، بر صفات جمالی ذات باری تعالی تکیه بیشتر است. این ایستار کلی در سراسر اندیشه دینی ایرانی و نیز هندی پایدار است و نمایی کلی از این سان اختلاف را به هنگام قرائت این کتاب می‌باید در نظر داشت. در بخش‌های مخالف کتاب حاضر، همین پنداشته‌هایی دینی، که با نظائر خود در جهان آشنای امروزی گاهی مغایرت دارد، پدیدار است.

فزون‌تر آن که در وصال همین سنجش است که تداوم برخی از مفاهیم و تصورات را آشکارا می‌رساند. همان‌طور که شاهد کرد و این گاهی شگفت‌انگیز است: مثلاً در نوشته‌های دیرینه‌سال هسار (فرگرد دوم: مهرپرستی، بخش یکم) می‌خوانیم که «آنچه با آتش پخته شود متعلق به ورمز (Varman) و آنچه با بخار پخته شود، متعلق به میتره (Mitra) است». اختصاصی که به اصطلاح امروزی، خوراک نذری برای میتره هندی و ایزد مهر یا اصطلاحاً میترای ایرانی داشتند، سر آن را با «بخار» می‌پخته‌اند، هنوز در ایران بر جای است و آن طرز پخت خاصی است که به اصطلاح «تور کردن» و تنوری پختن گوسفند است در جشن مهرگان (فرگرد یکم، به رک ۴-۴: دوم). چنین تداومی خیره‌کننده است و تنها از طریق «قیاس کلیات» و سنجیدن آثار و رسوم پراکنده در طی تاریخ درازدامن و در صحنه جغرافیای جهان کنونی است که می‌توانست می‌آید.

البته در کنار چنین تداوم حیرت‌آوری، که به نوعی اصلاً ادیان پختن و تنوری آشپزی را در سنتی سه‌هزار و پانصدساله به چشم می‌کشد، می‌باید به ذکر این نیز پرداخت که ایزد مهر در سنت زرتشتی و در مهریشت اوستایی، که جشن مهرگان به نام اوست، دیگر هرگز به اصطلاح «خدا» نیست تا در جمع ارباب انواع و خدایانی چون آنان که در المپ استقرار دارند، به شمار آید. بلکه مهر را در کیش زرتشتی باید «ایزد مهر» نامید که آفریده دادار اورمزد است با خصائصی نزدیک به ملائک و فرشتگان در دوران جدید.

چنین است که ایزدان زرتشتی را باید فرشتگان دانست، و نه خدایان.

از آنجا که کتاب مشتمل بر بخشهایی است که هریک، خود مستقل است، و با توجه به دیگر خصائص متن، با مشاورت همکاران و راهنمایان در سازمان سمت، به پیشنهاد دکتر زرشناس برای نامیدن پنج قسمت کتاب عنوان قدیمی «فرگرد» برگزیده شد. هر فرگرد اغلب مرکب است از چند بخش و هر بخش مشتمل بر چند بهرک. از سوی دیگر، چون به نیت بهره‌برداری دانشجویان است که کتاب نوشته می‌شود، ناگزیر بر نکته‌هایی را در نظر گرفته‌ایم. از آن جمله است آوردن صورت کامل نام بروهانگان خارجی و برابر لاتین آن در نخستین باری که از هریک یاد می‌شود، جز زمانی که در کتابنامه، آن نام دقیقاً آمده باشد. به همین روال است آوردن صورت لاتین بسیاری از واژه‌ها و اصطلاحات، و نیز الفبا برای خوانش واژه‌هایی از زبانهای قدیمی.

دیگر آن که هنگام نگارش، تلفظ و نوشتن واژه‌هایی که از زبانهای باستانی، به ویژه زبان اوستایی برگرفته و به فارسی درآورده شده است، کوشش بر آن بوده است که ویژگیهای واج آرای (phonotactics) زبان فارسی از یک سوی، و از سوی دیگر، صورت متداول و شناخته هر کلمه نزد مردم، هر دو رعایت گردد. توضیح آن که واژه‌های باستانی، که بیشتر نام ایزدان هستند، و یا نام معابد می‌دینی و اصطلاحی آیینی و ستی، مانند *ahura* و *yasna*، هنگام برگردان شدن به فارسی مسئله می‌سازند. بسیاری از آنها به *a* مختم هستند. در فارسی رسمی و متداول در بهران و ایران، واژه‌هایی که قبلاً مختم به فتحه (مصوت *a*) بوده‌اند و همه با های خیره‌انگه نوشته می‌شوند، اینک همگی با کسره (مصوت *e*) پایانی به تلفظ در می‌آیند، به استثنای واژه «نه»، که فقط همان است که با فتحه پایانی است. به موجب همین طرز رایج و واج آرای زبان و نیز طرز نگارش و رسم الخط فارسی است که نوشتن واژه‌های باستانی مختم به *a* در فارسی امروزی دشواری می‌آفریند: اگر این واژه‌ها را با های غیر ملفوظ بنویسیم، آنها را مختم به کسره خواهیم خواند، و اگر های پایانی را اصلاً حذف کنیم، و به جای آن فتحه روی حرف پایانی بگذاریم، حرف آخر را ساکن خواهیم خواند. پس *yasna* می‌شود «یسنه» (*yasne*) و یا یسن (*yasn*).

بر همین مبنی است که طرز نگارش شادروان استاد ابراهیم پورداود را، که اینک در فارسی اغلب جا افتاده و رایج است، اختیار کردیم و به جای اصرار برای نهادن های غیر ملفوظ در پایان واژه به نیت خواننده شدن آن با فتحه پایانی، همان ā (الف) را در پایان این واژه‌ها گذاشتیم؛ یعنی مثلاً برای ahura، به جای نوشتن «اهوره»، آوردیم «اهورا». در این باره باید افزود که نخست واژه‌هایی با شکل «اهورا» و «یسنا» اینک در فارسی شناخته و آشنا است. دیگر این که ابدال ā به ē، استبعادی چندان ندارد و ثالثاً به قول استاد یدالله ثمره، اگر معلوم نیست که تلفظ ā پایانی در واژه اوستایی با ā فارسی امروزی تا چه میزانی همسانی دارد، بهر کم می‌دانیم که آن ā با ē فارسی امروزی شباهتی بیشتر دارد تا با e (کسره). چنین است که در اغلب موارد، برای این رسته واژه‌ها، همان املاي اکنونی و رایج واژه‌ها را در کتاب نهادیم: اهورا، یسنا، اشا، و نیز به تبع نظیری برای همین گونه استدلال، سانسکریت را به جای «اهوره»، «یسنه» یا «یسن» و هم چنین اشه و سنسکریت.

در مورد اخیر باید یاد آورد که حفظ واج ē، هم در نگارش و رسم الخط، و هم در تلفظ واژه‌های فارسی به راجع به هولت بیشتری می‌آفریند تا پیروی از تلفظ فرنگی، که در بسیاری از موارد، اعدام دو واج ā (aa) را آسان‌تر می‌نمایاند و این دو واج مستقل در فارسی را در هم می‌آمیزد.

در این باره، جز سود جستن از پژوهشهای استاد ارجمند، دکتر یدالله ثمره، از استاد گزین، سرکار خانم دکتر بدرالزمان قریب نیز کسب اجازه شد. با سپاسگزاری از این دو بزرگ، باید در نهایت اذعان داشت که مشکلاتی واره، که در همین باب، و چه در باره دیگر قواعد و ستهای نگارشی در کار بوده است؛ مثلاً Indra را دیگر «ایندرا» نوشتیم و صورت «ایندره» را، به دلیل تداول نسبتاً بیشتر این برگزیدیم؛ گاهی نیز احتمال «گزیداری آگاهانه» امری دور از دسترس بود، مانند اختلاطی که در باب املاي «خشایارشا» یا «خشیارشا» پیش آمده است. از این بابت، پوزش می‌خواهیم، و از جهت نظائر آن، مانند دشواری در ارجاع دادن به کتابی چون صد در نشر و صد در بندهش یا روایات در باب هرمزیار، که متن فارسی دارد و شماره‌های صفحات آنها به فارسی است، اما ویراستار و پژوهنده آن را با عنوان انگلیسی انتشار

داده است و نام خود وی هم فارسی نیست. چنین است که رعایت دقت در آراستاری و یکنواختی کتاب دستخوش تزلزل است و سزاوار تقاضای پژوهش.

سپس بنده ویراینده چندی دیگر از قواعد گاه مرسوم را در رسم الخط فارسی امروزی زیر پا نهادم و با اصرار از سازمان سمت تقاضا کردم تا اجازه دهند به اصولی قدیمی‌تر پایبند بمانیم؛ برای مثال، یکی از آنها حفظ استقلال واژه‌ها است، از جمله واژه «است». نه تنها بر استقلال این واژه و شناختن رسمیت این استقلال پای فشردم، بلکه طبق قواعد قدیمی فارسی میانه، «اند» را در عباراتی چون «عبارت‌اند» خواهش کردم که اجازه دهند تا جدا بماند، و یا مثلاً در «اید». خلاف اینها، حرمت صفت «متصل» را برای «ضمیر متصل» خواهش کردم که اجازه دهند به رسمیت بشناسیم و «دستم» را دیگر دست ننویسیم تا تکلیف ما در برابر «پای‌ام» یا «پایم» یا «پام» نامعلوم شود و یا «همسرا» معلوم نشود که چیست؟!۱۹

از سازمان سمت برای این همه رواداری و اجازه دادن و این سان آزادی عمل در چنین عبوری از مرزها و حدود، حل و رسم کمابیش متداول، و این میزان اختیار که به بنده اعطا شد، سپاسگزاری می‌کنم. همچنین سپاسگزارم که نظر ویراستار ارجمند ما، سرکار خانم دکتر فرنگیس پرویزی، پذیرفتند و دست ایشان را تا حدودی بسیار برای اصلاح در کار گروه ما باز نهاده‌اند.

همین سان رواداری سمت و خواننده گرمی را برای رعایت نکردن یکنواختی در فرگردهای پنجگانه کتاب باید سپاس گفت و بدین مناسبت بگذشت که این پنج، همسان و از یک گونه واحد نیستند و هریک شرایط و ملاحظات خاص دارند. فرگرد سوم کتاب، یعنی مانی و مانویت، مبتنی بر اسنادی -یرینه سال و مکتوب است، و در تقابل می‌ایستد با فرگرد دوم، یعنی مهرپرستی، که تقریباً هیچ نوشته‌ای در باره آن، به روشنی و درستی در دست نیست. درست برخلاف این، مانویت امروزه آثاری آشنا و زنده و بازمانده در فرهنگ جوامع ندارد، حال آنکه طرفه آن است که می‌دانیم: «پرستش به مستی است در کیش مهر»، و تأثیر منتشر و دامن گستر آن، سخت باقی است و پراکنده در سا جاها. به همین روال است داستان فرگردهای دیگر از این کتاب، مثل آیین مزدک، که خود شایان بحث و بررسی

است. به این گونه دلایل است که هر نویسنده در هر بخش و «فرگرد»، از بابت نگارش چندی استقلال داشته است و من، بنده ویراینده، روشی واحد را بیش از این در این بخشها نتوانستم بر استادان همکارم تحمیل کنم.

بنده وظیفه دارد که از سرکار خانم دکتر ملحه معلم مدیر گروه ادیان و عرفان «سمت»، سپاسگزاری کند که افزون بر پیشنهاد اصلی برای نگارش کتاب، به دشواریها و مسائل ما ضمن کار امعان توجه داشتند و پیمودن راه را برای گروه همکاران تسهیل فرمودند. امید بر آن است که به یاری خداوند، نتیجه را بپسندند و آن را سودمند بیابند. در این گذار، آقای وحید محمودی عزیز دبیر علمی گروه ادیان و عرفان «سمت»، در طی دو سال کامل از هیچ مساعدتی دریغ نورزیدند. ایشان را سپاس می گویم و همچنین سرکار خانم نه‌شن قیدیان، و دیگر همکارانشان را در سمت.

دست یازید. به نگارش چنین مجموعه‌ای، که جز با پشتیبانی و یآوری همکاران و دوستان ارجمند ممکن نداشت، دل به دریازدنی است همراه با جسارت و ترس، و امید به خداوند که هر شناسای عطا فرماید تا خطاها کمتر باشد. نام نویسندگان هر فرگرد و بخش در پای خود آمده است: دکتر فرزانه گشتاسب^۱، دکتر کتایون نمیرانیان^۲، دکتر خسرو قلیناده^۳ و سرکار خانم دکتر مریم دارا^۴، در فرگرد نخستین با بنده همکاری داشته‌اند؛ و دکتر مینا سلیمی^۵، سرکار خانم دکتر زهره زرشناس^۶، زهرا تبریزی^۷، و زهره نوری^۸ و مه‌نا آقامیری^۹ به ترتیب فرگردهای

۱. عضو هیئت علمی (استادیار) پژوهشکده زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲. عضو هیئت علمی (استادیار) دانشگاه شیراز، گروه فرهنگ و زبانهای باستانی.
۳. عضو هیئت علمی (استادیار) دانشگاه پیام نور ارومیه.
۴. عضو هیئت علمی (استادیار) پژوهشکده زبان‌شناسی، کتیبه‌ها و متون پژوهشگاه میراث فرهنگی.
۵. دکترای رشته فرهنگ و زبانهای باستانی، پژوهشگر فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
۶. عضو هیئت علمی (استاد) پژوهشکده زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۷. دانشجوی دکتری رشته فرهنگ و زبانهای باستانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۸. پژوهشگر تاریخ ایران اسلامی.
۹. پژوهشگر ادیان و عرفان.

دیگر را به نگارش در آورده‌اند. نیز همواره مشاورت دکتر زرشناس و یاوری دکتر فرزانه گشتاسب مددکار بوده است. دکتر گشتاسب در فرجام کار، فرگرد یکم راه و استاد زرشناس چهار فرگرد دیگر راه، بار دیگر خواندند و راهنمایی فرمودند. ویرایش ادبی متن از دکتر فرنگیس پرویزی است و همه مدیون ایشان هستیم.

همچنین از سرکار خانم هایده معیری، و خانم دکتر مریم دارا، و نیز آقای ا. افسری سپاسگزاری می‌شود که همواره از مشاورت ایشان بهره گرفته‌ام. خانم زهرا امینی با مهربانی و دقت برتر خویش در آخر کار به بازخوانی کتاب پرداختند و نمایه و منابع را شکل نهایی دادند. به ویژه زحمات دختر نازنینم، خانم نسیم حسینی مهموثی کاید به است بر قفل دری که در نهایت این راه دراز ایستاده است: وی با کاردانی و مهربانی سنیما را برای آماده‌سازی کتاب پذیرفت و چون هم زبانهای باستانی را می‌داند و هم سازگار با ابزار نوین و امروزی راه را با محبت و کار مداوم و پرتواضع بر ما گذراند. به همیر روال، در پایان کار، فرزند دیگرم، سرکار خانم مرضیه کاظمی زحمت به رسانیدن این راه پرخم‌وچم را پذیرفتند و مانند همیشه، بار دیگر به مهربانی و گشاده‌دستی به یاری شتافتند و بر ما منت نهادند.

سپاس فرجامین و نهایی را خدمت جناب حاجت الاسلام، آقای دکتر احمد احمدی، مقام محترم ریاست سازمان مطالعه و تدوین کتاب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) تقدیم می‌دارم که پدید آوردن این کتاب، و دادن مکان کار برای آغاز کردن و به پایان رسانیدن آن بی گمان مدیون ایشان است.

امیدوارم که حاصل کار سودمند باشد و به کار آید.

کتابون مزداپور

آذرماه ۱۳۹۳